**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه359 – 11/ 09/ 1399 /مقدمات /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

در جلسات گذشته مقدمات بحث استصحاب مطرح شد. استاد دام ظله از این جلسه وارد بحث از ادله استصحاب می شوند. اولین دلیل حصول ظن به بقاء است که قائلین به حجیت استصحاب به ملاک ظن آوری آن را طرح کرده اند. ایشان این دلیل را از میرزای قمی نقل فرموده، اشکال مرحوم شیخ به آن را تقریب می کنند.

# ادله استصحاب

بحث درباره ادله استصحاب است.

## دلیل اول: ظن به بقاء به علت وجود سابق

اولین دلیلی که برای استصحاب بیان شده این است که حالت سابقه موجب ظن به بقاء می شود و این ظن حجت است. این استدلال عمدتا از اهل تسنّن آمده که قائل به حجیت ظن هستند. در شیعه علمایی این دلیل را دنبال کرده اند که قائل به انسداد هستند. مانند میرزای قمی که قائل به حجیت ظن از باب انسداد است و در قوانین این استدلال را پذیرفته است.

اما چه تلازمی بین تحقق شیء در زمان سابق و بقاء وجود دارد؟

### کلام شیخ انصاری

پاسخ به این پرسش بحثی طولانی می طلبد که شیخ انصاری در رسائل به تفصیل درباره آن بحث کرده است. ایشان در بحث کیفیت حصول ظن، کلام میرزای قمی در این باره را نقل کرده، درباره آن بحث کرده است. این بحث از قسمت هایی است که خوانده نمی شود و مباحث جالبی در آن وجود دارد.

عمده بحث میرزای قمی بر پایه استقراء موارد و حصول ظن از این طریق است. به این بیان که زمانی که اصناف، اجناس و انواع مختلف یک شیء را بررسی می کنیم، ظن حاصل می شود. مرحوم شیخ به تفصیل وارد این بحث می شود و اشکالات آن را بیان می کند که تنها به دو نکته از کلام ایشان اشاره می شود.

اولین نکته این است که حصول ظن از استقراء زمانی است که در مورد موارد استقراء شده به قدر جامعی برسیم که حکم مستند به این قدر جامع باشد. فرض کنید می خواهیم حکم کنیم آب در صد درجه به جوش می آید. آب های مختلف را امتحان می کنیم و می بینیم تمام موارد امتحان شده در صد درجه به جوش می آید. این حکم زمانی صحیح است که نتیجه گرفته شود آب بودن باعث جوش آمدن در صد درجه است و اگر نکات دیگری باعث جوش آمدن در هر موردی شده باشد، نمی توان از استقراء، نتیجه گیری کرد و حتی از آن ظن نیز حاصل نمی شود.

ایشان می فرماید: احکام شرعی تابع ملاکات و مصالح و مفاسدی است که در نفس مولا وجود دارد و ملاکات هر حکم با حکم دیگر متفاوت است و بقاء مصلحت و مفسده حکم مستند به وجود قبلی حکم نیست.[[1]](#footnote-1)

### تحلیل کیفیت حصول علم یا ظن از استقراء

در بحث استقراء پارادوکس مشهوری وجود دارد که اشاره به آن مفید است.

استقراء تام این است که غیر از مورد مشکوک تمام موارد استقراء شده است و در تمام موارد حکمی برای آنها ثابت است. اما با این حال الزاما نمی توان با استقراء تمام موارد، حکم مورد مشکوک (آزمایش شده) نتیجه گیری شود. مثلا شک دارم که آیا مرگ بر من عارض می شود؟ برای رسیدن به نتیجه تمام افرادی که در زمان حال و گذشته وجود داشته و از دنیا رفته اند را در نظر می گیرم. تمام مردگان وصف مشترک غیر من بودن را دارند به این معنا که مردگان غیر من هستند. آیا می توان نتیجه گرفت مرده غیر من است؟

پاسخ منفی است زیرا هر چند وصف مشترک بین تمام افراد استقراء شده غیر من بودن است اما این وصفی نیست که حکم به جهت این وصف مشترک تحقق پیدا کرده باشد.

درباره یقین سابق نیز نمی توان به صرف وجود شیء در سابق حکم به بقاء کرد زیرا درباره هر یک از این موارد، بقاء به خاطر ثبوت علت در زمان دوم است نه به علت حدوث سابق برای این موارد. مرحوم شیخ این اشکال را مطرح کرده است. البته به این نکته اشاره می کند که اگر صنف مضبوطی وجود داشته باشد که غالب در افراد این صنف بقاء باشد، حصول ظن قابل انکار نیست اما صنف مضبوطی وجود ندارد.[[2]](#footnote-2)

نکته بالا نکته مهمی در استقراء است که حصول ظن از استقراء، وابسته به استناد وصف و حکم مشترک به امر مشترک بین موارد استقراء شده است. کلمات مرحوم شیخ و میرزای قمی در بحث استقراء در منطق به خصوص منطق امروز و فلسفه علم در بحث چگونگی حصول علم یا ظن از استقراء بحث سودمندی است. به همین جهت تعبیر شده: حصول علم از استقراء به علت بازگشت آن به برهان است. به این صورت که حصول یقین به حکم تنها در صورتی است یقین حاصل شود اشتراک در حکم به علت قدر جامع بین افراد استقراء شده است و اگر یقین به این مطلب حاصل نشود، یقین به حکم ایجاد نمی شود. شبیه به این مطلب درباره ظن آوری استقراء نیز وجود دارد به این صورت که باید ظن حاصل شود، حکم مشترک مستند به قدر جامع بین افراد استقراء شده است. در حالی که موارد استصحاب نمی توان این مطلب را نتیجه گیری کرد.

### کلام شهید صدر: تمسک به بنای عقلا بر حصول ظن به استصحاب

این بحث به صورت اجمالی در کلام شهید صدر اشاره شده است که حصول ظن از یقین سابق تابع عوامل مختلفی است به همین دلیل نمی توان حکم کلی درباره آن داشت.

شهید صدر تقریبی را برای حصول ظن از حالت سابقه بیان کرده است که بناء عقلا بر استصحاب است و عقلا در بناءات خود به تعبّد صرف عمل نمی کنند و بر کاشفیت و اماریت بناگذاری می کنند. در نتیجه از بنای عقلا کشف می شود که استصحاب موجب حصول ظن است.

ایشان اصل بنای عقلا را می پذیرد اما بیان می کند: این بنای عقلا بر اساس ظن منطقی نیست و در آن انس ذهنی و میل نفسانی به بقاء دخیل است. ایشان انس ذهنی را تنها در موارد معیّن پذیرفته و وجود آن در موارد غیر معیّن را انکار کرده است. مثلا اگر شخص رفیقی داشته باشد که شصت سال با او زندگی کرده است و از او خبری ندارد، میل نفسانی انسان به باقی بودن شخص است. اگر به جای شخص معیّن، شخصی غیر معیّن قرار داده شود به این صورت که اگر شخصی شصت سال زندگی کرده باشد و شک در زنده بودن او داشته باشد، چنین میل نفسانی به بقاء در این فرض وجود ندارد.[[3]](#footnote-3)

#### بررسی کلام شهید صدر

هر چند ایشان ادعای فرق بین این دو مورد کرده است اما بنده فرقی بین آنها احساس نکردم که بین فرد معیّن و غیر معیّن چه تفاوتی وجود دارد. آیا واقعا اشخاص بین فرد معیّن و غیر معیّن فرق احساس می کنند؟

البته اصل این استدلال بر پایه این است که بنای عقلا بر حجیت استصحاب را بپذیریم. در آینده بحث خواهیم کرد که وجود صغروی بنای عقلا محل بحث بین علماست. بر فرض وجود بنای عقلا روشن نیست مستند آن نوعی کاشفیت و اماریّت باشد. هر چند درباره عقلا تعبّد صرف وجود ندارد اما اموری به جهت انضباط قانونی بین آنها وجود دارد. شاید اصاله عدم النسخ بیشتر به علت نظم قانونی باشد که سرباز زدن از اجرای قانون به صرف شک، موجب از بین رفتن انضباط و انسجام قانون می شود و به همین دلیل عقلا حکم به اصل عدم نسخ می کنند. استصحاب نیز از همین سنخ است به این صورت که بر فرض پذیرش بنای عقلا، این بنا برپایه انسجام و انضباط قانونی است نه بر پایه اماریت هر چند در برخی از موارد فی الجمله اماریت وجود دارد. اما حجیت استصحاب در یک گستره، بیشتر بر پایه انضباط قانونی است تا اماریت.

مراد شهید صدر از این مطلب که بنای عقلا بر پایه کاشفیت است و بر پایه تعبّد صرف نیست، غالب موارد است و ایشان عدم کاشفیت در برخی از بنائات عقلایی را انکار نمی کند. مثلا قانون حق الطاعه که شهید صدر قائل است آیا از باب کاشفیت معتبر است؟ یا قرعه عقلایی بر اساس کاشفیت حجیت دارد؟

البته شهید صدر درباره قاعده ظن می فرماید: نکته فراغ این قاعده این است که دلیلی جز دلیل انسداد بر آن وجود ندارد و دلیل انسداد به نظر ما نیز تام نیست.

باید دقت داشت: عمده کسانی که این اصل تمسک کرده اند حجیت ظن را قبول دارند. مانند اهل تسنّن که حجیت مظنه را پذیرفته اند یا میرزای قمی که دلیل انسداد را قبول دارد.

در جلسه آینده بحث کوتاهی درباره بنای عقلا خواهیم داشت و پس از آن وارد بحث از دلالت روایات خواهیم شد.

اصلی ترین دلیل بر حجیت استصحاب، روایات است که حاج آقای والد به صورت مفصّل درباره آن بحث کرده است و مرحوم حاج آقا مرتضی حائری در مبانی الاصول بحث استصحاب را از اخبار آغار کرده اند و تمام مباحث مقدماتی را کنار گذاشته اند.

1. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص92.](http://lib.eshia.ir/13056/3/92/المصالح) توضيحه: أنّ الشكّ في الحكم الشرعي، قد يكون من جهة الشكّ في مقدار استعداده، و قد يكون من جهة الشكّ في تحقّق الرافع.

   أمّا الأوّل، فليس فيه نوع و لا صنف مضبوط من حيث مقدار الاستعداد، مثلا: إذا شككنا في مدخليّة التغيّر في النجاسة حدوثا و ارتفاعا و عدمها، فهل ينفع في حصول الظنّ بعدم المدخليّة تتبّع الأحكام الشرعيّة الأخر، مثل: أحكام الطهارات و النجاسات، فضلا عن أحكام المعاملات و السياسات، فضلا عن أحكام الموالي إلى العبيد؟

   و بالجملة: فكلّ حكم شرعيّ أو غيره تابع لخصوص ما في نفس الحاكم من الأغراض و المصالح، و متعلّق بما هو موضوع له و له دخل في تحقّقه، و لا دخل لغيره من الحكم المغاير له، و لو اتّفق موافقته له كان بمجرّد الاتّفاق من دون ربط.... [↑](#footnote-ref-1)
2. [فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص93.](http://lib.eshia.ir/13056/3/93/) [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 32 [↑](#footnote-ref-3)